

سنجش توسعه یافتگی شهرهای شهرستان سقز با تأکید بر نیروی بازار کار در بازه زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵

*احمد ساعی^۱، مهدی حاجیلو^۲، محمد کوچکی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۲۲

Measuring the development of cities in Sagez county with an emphasis on the labor market force in the Period of 1966 to 2006

*Ahad Saei¹, Mehdi Hajiloo², Mohammad Kochaki³

1. MA student in Geography & Rural Planning, University of Tehran

2. Ph.D. student of Geography & Rural Planning, University of Tehran

3. MA student in Geography & Rural Planning, University of Tehran

Received: 17/04/2015

Accepted: 13/10/2016

Abstract

One of the main factors in assessing the degree of development in a region is existing adequate employment opportunities and the amount of labor supply and demand. That is in each area, according to the labor supply and demand, the job shortage is measured to examine the degree of its development. The labor market model is one of the models that examine the labor market conditions. The purpose of the present study is to examine the condition of labor market development in Sagez county in a period of four recent censuses from 1966 to 2006. The study is practical in terms of aim, and a descriptive-analytic in terms of method. Data was collected from detailed results of population and housing censuses in 1966, 1976, 1986, 1996, and 2006. The research variables were the number of immigrants out, the number of immigrants in, the rate of natural growth, unemployment rate, employment and labor force. The result showed that the labor force market in Sagez county has not been balanced in any of the periods and this imbalance in the labor market has caused migration into the urban area and intense migration out in rural area. It was found that the lack of equal job opportunities in rural and urban areas has resulted in excessive transfers of population in these areas and finally, an imbalance of labor market in Sagez county as a whole.

Key words

Development, Labor Force Market, Employment, Sagez county

چکیده

یکی از عوامل اصلی در سنجش درجه توسعه یافتگی مناطق، وجود فرصت‌های شغلی در آن منطقه و میزان عرضه و تقاضای نیروی کار می‌باشد که در هر منطقه با توجه به میزان عرضه و تقاضای نیروی کار، مقدار کمبود شغل محاسبه و درجه توسعه یافتگی آن بررسی می‌گردد. یکی از مدل‌هایی که وضعیت بازار نیروی کار را مورد سنجش قرار می‌دهد، مدل بازار کار است. هدف از مطالعه حاضر بررسی وضعیت توسعه یافتگی بازار کار نقاط شهری شهرستان سقز در طی چهار دوره سرشماری از ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ می‌باشد. تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز از نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ گردآوری شد. متغیرهای مورد بررسی در این مطالعه شامل: تعداد مهاجران به بیرون، نرخ رشد طبیعی، تعداد مهاجران وارد شده، بیکاری، اشتغال و نیروی کار است. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان داد که بازار نیروی کار در شهرستان سقز در هیچ یک از دوره‌ها متعادل نبوده است. این عدم تعادل در بازار کار، مهاجرپذیری در نقاط شهری و نقطه مقابل آن مهاجرفرستی شدید در نقاط روستایی و عدم وجود فرصت‌های شغلی یکسان در نقاط شهری و روستایی، نقل و انتقالات بی‌رویه جمعیت در این مناطق را موجب گردیده و نتیجه نهایی این که شهرستان سقز با یک عدم تعادل در بازار کار رو به رو است.

واژه‌های کلیدی

توسعه یافتگی، نیروی بازار کار، اشتغال، شهرستان سقز

مقدمه

توسعه به عنوان فرآیندی تدریجی در پیشرفت موقعیت بشر، شامل انجام فعالیت برای رسیدن به رشد مادی و تکامل اجتماعی در تمام عرصه‌های زندگی و در طول زمان است (Riddell, 2011: 10). در برنامه‌ریزی توسعه و توسعه یافتگی در سطح منطقه‌ای، شناخت و درک تفاوت‌های موجود میان مناطق از حیث برخورداری آن‌ها از امکانات و زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (نظم‌فر و علی‌بخشی، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

امروزه شهرها بیش از هر زمان دیگر به عنوان الگوی غالب سکونتگاه‌های انسانی شناخته شده‌اند و روز به روز بر جمعیت آن‌ها افزوده می‌شود. افزایش جمعیت شهرها نتیجه دو عامل اصلی نرخ رشد طبیعی و مهاجرت می‌باشد که بررسی و شناخت این دو عامل تنها در داخل محدوده شهرها امکان‌پذیر نیست، بلکه بایستی به قلمرو و فضاهایی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر شهرها تأثیرگذار می‌باشند، توجه شود (فرید، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

شهرها در طول حیات خود رابطه تنگاتنگی با روستاهای اطراف خود داشته‌اند و این رابطه همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. روستاها همیشه تامین‌کننده مواد اولیه و نیروی کار شهرها به حساب آمده و شهرها هم نسبت به روستاهای تحت نفوذ خود نقش خدمات‌رسانی را بر عهده داشته‌اند. از مهم‌ترین مسائلی که در رابطه با شهر و روستاهای اطراف آن مطرح می‌شود، پدیده مهاجرت می‌باشد که به دو شکل روستا-شهری و شهری-روستایی خود را نشان می‌دهد؛ اما آنچه که بیش‌تر مورد توجه می‌باشد، مهاجرت روستا-شهری است، حرکت جمعیتی پیوسته با توسعه اقتصادی، اجتماعی و وضعیت سیاسی جامعه پیوند دارد، طوری که می‌توان گفت که کوچک‌ترین حرکت از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ناشی می‌شود (میرکتولی و منافی‌آذر، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

مهاجرت در اروپا بعد از انقلاب صنعتی به اوج خود رسید به طوری که روستاییان برای پیدا کردن کار و کسب درآمد دسته دسته به شهرهای صنعتی هجوم می‌آوردند و در کارگاه‌ها و کارخانه‌های صنعتی شهرها مشغول به کار می‌شدند. پیتیه^۱ محقق فرانسوی دلایل مهاجرت روستایی در اروپا را ناشی از ناهماهنگی تمدن روستایی سنتی و شکل‌های معاصر تمدن شهری می‌داند (آذانی و بوستانی، ۱۳۹۲: ۹۴).

در ایران نیز بعد از اصلاحات ارضی و آزاد شدن نیروی کار روستایی، مهاجرت روستا-شهری با سرعت بیش‌تر از قبل شروع شد و این جریان تا به حال ادامه دارد. در مطالعات انجام یافته، ثابت

شده که در اقتصادهای تکامل یافته، بین نیروهای بازار کار هماهنگی جغرافیایی بهتری در بخش‌های شهری و روستایی به وجود می‌آید (Grantham, 1994: 83). بنابراین درک بهتر علت‌ها و عوامل تعیین‌کننده مهاجرت روستا به شهر و روابط بین مهاجرت و فرصت‌های اقتصادی مربوط در مناطق شهری و روستایی، جهت تجزیه و تحلیل مشکلات اشتغال جهان سوم حائز اهمیت زیادی است (تودارو، ۱۳۶۷: ۳۱). مهاجرت مازاد بر فرصت‌های شغلی در کشورهای در حال توسعه، نشانه عقب‌ماندگی و توسعه نیافتگی این کشورها است (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۵۵). به عبارت دیگر وجود فرصت‌های شغلی در مناطق شهری و افزایش نیروی کار در نواحی روستایی مهم‌ترین علت مهاجرت روستا-شهری در این گونه کشورها بوده است (تودارو، ۱۳۷۸: ۶۳). بنابراین نبود فرصت‌های شغلی همسان و برابر (کمبود شغل) موجب عدم تعادل بازار نیروی کار در این مناطق شده و در نتیجه این عدم تعادل مشکلاتی دامن‌گیر مناطق خواهد شد.

با توجه به این که لازمه توسعه، توزیع نابرابر امکانات و خدمات نمی‌باشد، بلکه شرط تسریع در رشد اقتصادی و همگونی در رشد و توسعه شهرستان‌ها، استان‌ها و کشور، توزیع متعادل‌تر درآمد و خدمات و امکانات می‌باشد و باید این دو به موازات یکدیگر، پیش روند تا تعادل بین رشد و توسعه یافتگی محقق گردد، لذا بر این اساس، تحقیق حاضر به دنبال سنجش توسعه یافتگی بین شهرستان‌های شهر سقز بود، تا در این راستا وضعیت بازار نیروی کار و رشد مهاجرت در مقطع زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ را بررسی نموده و میزان کمبود شغل، روندهای مهاجرتی، تغییرات نرخ مشارکت، نیروی کار و نرخ طبیعی نیروی کار را در سطح شهرستان از زاویه سطح توسعه یافتگی بررسی نماید.

مبانی نظری

تکنیک محاسبه بازار نیروی کار، اولین بار در مقیاس منطقه‌ای توسط خط مشی اقتصادی گروه کمبریج (CEPG)^۲ در سال ۱۹۸۰ به کار گرفته شد. در سال ۹۸۷ توسط کامپیون^۳ با مدل‌های پیش‌بینی بازار نیروی کار منطقه‌ای ترکیب گردید، سپس اون و گرین^۴ در سال ۱۹۸۹ این مورد تکنیک را برای تحلیل سفرهای انجام شده به منظور کار روزانه در ناحیه‌هایی از بریتانیا در دوره ۸۴-۱۹۸۱ مورد استفاده قرار دادند. بتی و

2. Cambridge Economic Policy Group

3. Champion

4. Owen & Green

1. Pitie

نظریه‌پردازان توسعه، مانند میردال و تودارو، بر کاهش نابرابری و رفع دوگانگی‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان یکی از اهداف توسعه تاکید دارند، عدم نبود توازن در جریان توسعه، بین مناطق گوناگون، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است (آهنگری، ۱۳۸۶: ۱۶۱).

توسعه جریانی چند بعدی است که در خور تجدید سازمانی و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد، به عبارت ساده می‌توان گفت با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه حذف نابرابری‌ها است، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است (Hadder, 2000: 5).

عرضه نیروی کار

اشتغال یکی از مهم‌ترین تجارب زندگی عمومی انسان‌هاست، اشتغال برای انسان‌ها، پول، اهداف، روابط اجتماعی، هویت و فصل مشترک مهمی با تجارب خصوصی و عمومی به ارمغان می‌آورد (رنی شورت^۶، ۱۳۸۸: ۱۲۷)، همچنین اشتغال- کارمزدی، کانون فرآیند صنعتی شدن است که دنیای ما را دگرگون کرده است (کوهیل^۷، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

به عبارتی دیگر یکی از جنبه‌های مهم در ادبیات اقتصادی، بررسی وضعیت نیروی انسانی مؤثر در امر تولید است (زیاری، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

در طول سه دهه گذشته عمده مطالعات عرضه نیروی کار بر تئوری نئوکلاسیک استوار بوده است. در حوزه عرضه نیروی کار مهم‌ترین تحول مفهومی را می‌توان تئوری انقلابی «کیرز و منسپیر^۸» دانست. گری بکر^۹ تئوری تخصیص وقت بین فعالیت‌های مختلف از قبیل کار و استراحت را ارائه کرد و از پارامترهای اقتصادی و اجتماعی در توضیح نحوه این تخصیص بهره گرفت. ژاکوب هینل^{۱۰} مفهوم هزینه فرصت را در بازار کار وارد مطالعات کرد. او به این نکته اشاره می‌کند که افراد در تصمیم‌گیری‌های خود محاسبه هزینه^{۱۱} فایده را مرئی می‌دانند و اگر هزینه مستقیم و غیر مستقیم ورود به بازار از فواید آن کمتر باشد تصمیم به عدم حضور می‌گیرند (شکویی، ۱۳۸۲: ۱۴).

نظریه‌های تقاضای نیروی کار

نیروی کار یکی از اجزای تشکیل دهنده هر فرآیند تولیدی است. با این وجود تقاضا برای نیروی کار محدود و مقدار آن به وسیله فرآیند سودبخشی تعیین می‌شود (Popkov, et al., 2005: 815).

مادان^{۱۲} با توسعه بسط روش محاسبه بازار کار و تلفیق آن با جدول داده و ستانده، اثرات تغییرات جمعیتی را در سطح منطقه‌ای در مورد سه منطقه در انگلستان، تحلیل نمودند. این روش برای تحلیل توسعه مرحله‌ای شهرهای جدید انگلستان نیز مورد استفاده قرار گرفته است (شکویی، ۱۳۸۲: ۱۵).

در ایران نیز برای اولین بار روش محاسبه بازار کار برای تحلیل رشد شهرهای میانی کشور در رابطه با تحولات بازار نیروی کار آن‌ها به کار گرفته شده است (شکویی، ۱۳۸۲: ۱۶).

در ارتباط با سنجش سطح توسعه یافتگی، میرباقری و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی تحت عنوان سنجش توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل با استفاده از مدل‌های آنالیز تاکسونومی عددی و سلسله مراتبی به سنجش توسعه یافتگی با استفاده از شاخص‌های ترکیبی امور زیربنایی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و درمانی پرداخته، نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد، در بین شهرستان‌های این استان از لحاظ توسعه یافتگی، نابرابری وجود داشته به طوری که شهرستان اردبیل دارای برخورداری بیش‌تری می‌باشد و از شهرستان‌های دیگر، فاصله زیادی را دارا بوده و شهرستان مشکین شهر در رتبه بعد از اردبیل قرار گرفته است (میرباقری، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

منان رئیسی (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان جستاری در سنجش توسعه یافتگی نواحی شهری شیراز، انجام داد و در مطالعه خود به بررسی چگونگی توزیع خدمات و امکانات شهری در گستره کلان شهر شیراز پرداخته و با استفاده از روش تاکسونومی عددی نشان دادند که بافت تاریخی- فرهنگی و ناحیه‌های حاشیه‌ای جنوب، شرق و شمال شرقی دارای سطح پایینی از توسعه یافتگی بوده و در نهایت با استفاده از سه عامل شعاع دسترسی، مؤلفه‌های رفاه خانواده و توجه به کیفیت زیرساخت‌های شهری، تا حد زیادی این اختلاف توسعه یافتگی را می‌توان کاهش داد (منان رئیسی، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

توسعه و توسعه یافتگی

در ادبیات توسعه، به طور کلی سه نوع تلقی از مفهوم توسعه ارائه شده است: توسعه به مثابه یک مجموعه اقدامات مشخص، توسعه به مثابه فرآیندهای دگرگونی بنیادی و بالاخره توسعه به مثابه مجموعه از دستاوردها و اقدامات مشخص. آنچه که در قلب اندیشه توسعه قرار دارد شناخت عرصه‌هایی است که نیاز به تحول و دگرگونی دارند (عبدلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۶).

اصولا توسعه تغییر بنیادی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شود و تحقق آن مستلزم ایجاد هماهنگی بین ابعاد گوناگون آن است، لذا بسیاری از

6. Rani Short

7. Cohill

8. Keiser & Mansaper

9. Gary Becker

10. Jacob Heinle

5. Batey & Madden

است)، توجه خاصی به تعداد شغل‌هایی می‌شود که باید جمعیت بیکار را کاهش دهد. در شرایطی که نیروی کار متراکم باشد (به این معنی که تقاضای نیرو برای کار، بیش‌تر از عرضه آن باشد) تلاش برای جذب منابع جدید جهت عرضه نیروی کار انجام می‌گیرد (مانند: استخدام کارگران مسن، کارگران مهاجر، بازگرداندن زنان بعد از زایمان و... (Kitchin. et al., 2009: 89)).

اگر چه در کشورهای توسعه یافته صنعتی نیز سهم بخش‌های خدمات و صنعت بیش‌تر از بخش کشاورزی است، اما آنچه که در کشور ما از بخش خدمات دیده می‌شود، بیش‌تر خدمات غیرمولد اقتصادی همچون دلالی و واسطه‌گری است. به عنوان مثال، گستردگی خدمات خرید و فروش مسکن در کشور را نمی‌توان به صورت نشانه‌ای از توسعه یافتگی کشور قلمداد کرد. به عبارت دیگر این قبیل خدمات بیش‌تر در راستای دست به دست شدن دارایی‌ها است نه تولید کالاها یا خدمات جدید (نادمی، ۱۳۹۱: ۲). با توجه به آنچه مطرح شد، سه ویژگی، جوهره بازار کار ایران را شکل می‌دهند و اهمیت آن‌ها به قدری است که با تغییر در آنها، ماهیت بازار کار ایران دگرگون می‌شود.

ویژگی‌های بازار کار ایران عبارتند از: ۱. غلبه بخش خدمات بر بخش تولیدی، ۲. سمت‌گیری به سود مناطق شهری، ۳. نقش همچنان مسلط بخش عمومی در ایجاد اشتغال (گودرزی، ۱۳۷۰: ۸۵).

مدل بازار کار

الگوهای اشتغال، هم از جهت انباشت و توزیع ثروت و هم در ارتباط با ساختار محیط ساخته شده، بر توسعه شهری تأثیر عمیقی بر جای می‌گذارند (پارتر و لوید^{۱۱}، ۱۳۸۴: ۲۴۵). فن محاسبات بازار کار یک ابزار کمی است که با آن می‌توان شیوه برخورد عرضه و تقاضای نیروی کار طی یک دوره زمانی را نشان داد. عنصر اساسی در محاسبات بازار کار، کمبود شغل است که به دلیل عدم توازن بین عرضه و تقاضای نیروی کار رخ می‌دهد. با استفاده از این روش می‌توان اثرات تغییر در اشتغال بر روی مهاجرت، بیکاری و رفت و آمد نشان داده شود (اجزاء شکوهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵).

بازار کار یکی از مهم‌ترین بازارهای اقتصادی است که به دلیل ارتباط مستقیم با انسان از اهمیت ویژه برخوردار و همواره مورد توجه دولت و سیاست‌گذاران بوده است (امینی، ۱۳۹۵: ۲۴).

در راستای تحقق کار شایسته، سازمان بین‌المللی کار، چهار هدف راهبردی حمایت از حقوق کار، حمایت از اشتغال، تقویت حمایت و امنیت اجتماعی و تقویت گفتگوی اجتماعی را دنبال می‌کند که این اهداف یکدیگر را تقویت می‌کنند. زیرا ایجاد اشتغال،

برخی از نظریه‌ها تقاضای نیروی کار را در شرایط ایستا و برخی در شرایط پویا مورد بررسی قرار می‌دهند. نظریه ایستا در یک مقطع زمانی معین، وضعیت تقاضای نیروی کار از سوی کارفرمایان را مورد بررسی قرار می‌دهد، اما در نظریه پویا، تقاضای نیروی کار مورد بررسی قرار خواهد گرفت که در این زمینه نقش هزینه‌های تعادل و عدم تعادل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نظریه‌های نیروی کار را می‌توان از جهت فرض تعادل یا عدم تعادل در بازار کار مورد بررسی قرار داد. برخی از نظریه‌ها بر تقاضای نیروی کار مبتنی بر فرض تعادل در بازار کار بوده و اشتغال در این مدل‌ها برابر با حداقل مقادیر عرضه و تقاضا شده نیروی کار است. بنابراین در این تئوری‌ها وقوع بیکاری (عرضه نیروی کار بیش‌تر از تقاضای نیروی کار است) با وجود فرصت‌های شغلی خالی (تقاضای نیروی کار بیش‌تر از عرضه نیروی کار است) امکان‌پذیر است (زیاری، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

بازار کار

بازار کار یکی از بازارهای چهارگانه در اقتصاد است که همراه بازار پول، سرمایه، کالا و خدمات در اقتصاد کشور نقش مهمی دارد. در این بازار به کیفیت و کمیت عرضه و تقاضای کار (نیروی کار و فرصت‌های شغلی برای جذب نیروی کار) پرداخته می‌شود (فاتحی، ۱۳۸۴: ۱۶۵)، همچنین بازارهای کار را می‌توان از دو بعد فضایی و ساختاری تقسیم بندی نمود، بعد فضایی خرده بازارهای نیروی کار محلی تا بازارهای کار ملی و جهانی را در بر می‌گیرد و بعد ساختاری از طریق تعیین حدود متوسط شاخص‌هایی همچون مهاجرت، ترکیب، آموزش، نژاد، جنس، سن، پایگاه اجتماعی مشخص می‌شود (زنگنه، ۱۳۸۹: ۳). کیفیت و کمیت فرصت‌های نیروی بازار کار در مقیاس محلی و منطقه‌ای نیز نتیجه فرآیندهای ملی و بین‌المللی است و تفاوت‌های کمی در تعداد فرصت‌های شغلی نشان دهنده تفاوت‌های جغرافیایی اشتغال و بیکاری است، در حالی که تفاوت‌های کیفی در ماهیت فرصت‌های شغلی موجود و پیش‌بینی توسعه نیروی بازار کار است (Kitchin, 2009: 87).

عرضه نیروی کار عبارت است از بخشی از جمعیت در سن فعالیت که متقاضی شغل در بازار کار باشند و تقاضای نیروی کار عبارت است از فرصت‌های شغلی که در دوره معینی از سوی واحدها و بنگاه‌های اقتصادی (تولیدی و خدماتی) ایجاد می‌گردد و متقاضی استفاده از نیروی کار در بخش‌های گوناگون اقتصادی هستند (فاتحی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). فشارهای تقاضا در مناطق مرفه بسیار بالاست، بر اثر این وضعیت، دستمزدها بالا رفته و کمبود نیروی کار به وجود می‌آید (هاروی، ۱۳۸۹: ۶۵۴) و زمانی که بازار نیروی کار ضعیف باشد (یعنی تقاضا برای جذب نیروی کار عرضه شده ناکافی

پیشینه تجربی

برخی مطالعات تجربی دارای رویکردی التقاطی‌اند و به تحلیل هرگونه متغیر اقتصادی به‌منظور شناخت روابط علت و معلولی و همبستگی عوامل مختلف پرداخته‌اند. این مطالعات اغلب دارای روش‌شناسی اکتشافی هستند، به‌طوری که محقق از آگاهی عمیقی نسبت به پدیده مورد نظر و یا تأثیر متغیرهای مستقل بر یک متغیر کلان و وابسته برخوردار نبوده و به همین خاطر گاهی بدون فرضیه و تنها با طرح چندین سؤال، تحقیق خود را آغاز می‌کند. مطالعاتی با این رویکرد از فراوانی زیادی برخوردارند و با توجه به ماهیت موضوع نیز این امر بدیهی به نظر می‌رسد.

مرور اجمالی بر این گونه تحقیقات نشان داد که سه ویژگی اصلی آنها عبارتند از: انجام یک بررسی توصیفی جامع در مورد وضعیت موجود اشتغال و بیکاری، بررسی همبستگی و روابط علت و معلولی بین اشتغال به عنوان متغیر وابسته و سایر شاخص‌ها (مانند شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جمعیت‌شناختی و...) و سرانجام تحلیل و تبیین پدیده اشتغال و بیکاری و نتیجه‌گیری از آن (فنی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت جزء تحقیقات تحلیلی^۵ توصیفی است. متغیرهای مورد بررسی در پژوهش عبارتند از: تعداد مهاجران به بیرون، نرخ رشد طبیعی، تعداد مهاجران وارد شده، بیکاری، اشتغال، نیروی کار.

اطلاعات مربوط به شاخص‌های مورد بررسی از نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ گردآوری شد.

محدوده مورد مطالعه

قلمرو مورد مطالعه، محدوده سیاسی شهرستان سقز به تفکیک نقاط شهری، نقاط روستایی و کل شهرستان بوده است.

شهرستان سقز یکی از شهرستان‌های واقع در بخش شمالی استان کردستان با مرکزیت شهر سقز می‌باشد. این شهرستان از شمال به بوکان، از شرق به دیواندره، از جنوب به مریوان، از غرب به بانه و از جنوب به کشور عراق منتهی می‌شود.

جمعیت شهرستان سقز، طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، ۲۰۸۴۲۵ نفر بود که از این مقدار ۱۳۵۰۳۴ نفر در نقاط شهری و ۷۳۳۹۱ در نقاط روستایی ساکن می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶).

شرایطی را برای درآمدهای بیش‌تر و استانداردهای بالاتر فراهم می‌کند. در جایی که کار نباشد، حقوق کار نیز نخواهد بود.

بنابراین افزایش میزان اشتغال و کاهش بیکاری و کم‌کاری (اشتغال ناقص)، به طور کلی نقشی هسته‌ای در راهبرد سازمان بین‌المللی کار ایفا می‌کند. اشتغال بیش‌تر، نیازمند سیاست‌گذاری فعال‌تر در بازار کار و همچنین سیاست‌های مناسب در سطح اقتصاد کلان و ثبات بازارهای مالی است. همچنین تقاضا برای ادغام سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی را افزایش می‌دهد.

هر نوع سیاست اقتصادی، پیامدهای اجتماعی خاص خود را به دنبال دارد و سیاست اجتماعی نیز تأثیر ثابتی بر نوع و میزان رشد اقتصادی خواهد گذاشت (فیض‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۴۷). زیرا به هر میزان درصد اشتغال نسبت به جمعیت فعال کشور بالاتر باشد، از میزان بیکاری پنهان کاسته می‌شود و روند تکاملی حرکت اقتصاد ملی به سوی تعادل، تسریع می‌گردد.

از سوی دیگر، هر چه فاصله نسبت اشتغال به جمعیت فعال کشور عمیق‌تر شود، فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشور، دچار ناهنجاری‌های بیش‌تر و آهنگ رشد آن کم‌تر می‌شود. ادبیات و متون نظری موجود نشان می‌دهد که بررسی و تحلیل پدیده اشتغال بر اساس یکی از سه الگوی زیر صورت گرفته است:

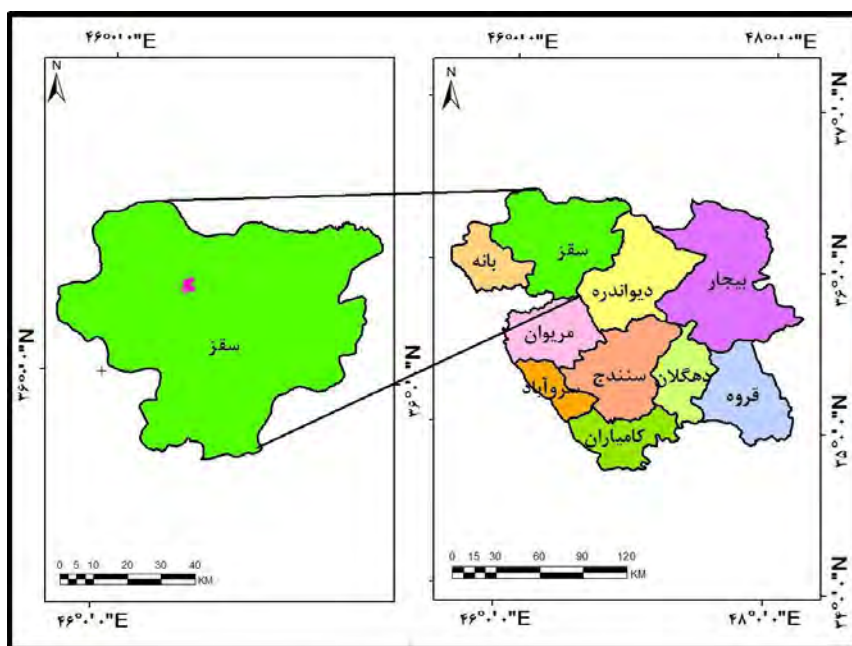
نظریه‌ها و الگوهای اقتصادی اشتغال

نظریه‌ها و الگوهای نوع نخست اغلب به وسیله اقتصاددانان مطرح شده و قوانین خاص اقتصادی (مشمول بر عرضه و تقاضا) بر آن حاکم بوده و بیش‌تر دارای بیان ریاضی هستند. از انواع این الگوها و مدل‌ها می‌توان به مدل سنتی بازار آزاد و رقابتی کار، نظریه عمومی درآمد و اشتغال کینز، مدل رشد تولید و اشتغال (مدل هارود-دومار) و مدل اکاوس- بلاوگ اشاره کرد.

نظریه‌ها و الگوهای فضایی اشتغال

دسته دوم، نظریه‌ها و الگوهای فضایی اشتغال هستند که اغلب به طور مشترک به وسیله دانشمندان علوم اقتصادی و اجتماعی، جغرافیدانان و برنامه‌ریزان توسعه منطقه‌ای مطرح و بسط یافته‌اند. در این گونه نظریه‌ها اغلب بُعد سرزمینی و یا مکانی حاکم بوده و به نحوی در وضعیت اقتصادی به وجود آمده نقش خاصی را ایفاء می‌کند.

از جمله این نظریه‌ها باید به نظریه لوئیس-فی-رانیس، نظریه کالین کارک، نظریه تفاوت‌های محیط طبیعی، نظریه دوگانگی (اقتصاد)، نظریه مرکز-پیرامون و نظریه توسعه شهری-صنعتی اشاره کرد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی شهرستان سقز

۸. $DE =$ اختلاف بین تعداد شاغلان دوره گذشته با دوره
 $DE = E \cdot E - 1$
 ۹. $DS =$ تغییرات خالص در کمبود شغل
 $DS = DL \cdot DE$ (Batey, 1997: 1-5)

یافته‌ها

تحلیل وضعیت بازار کار نقاط شهری و روستایی شهرستان سقز
 تمرکز فضایی بیکاری و فقر در بازار نیروی کار شهری به عنوان یک مسئله حیاتی بر ساکنین شهری تأثیر می‌گذارد (Arnott, 2008: 387). در این مطالعه ستانده‌های مدل بازار کار نشان می‌دهد که روستاهای شهرستان سقز در تمام دوره‌ها با کمبود شغل مواجه بودند، در حالی که نقاط شهری تا دهه سوم، مازاد شغل داشته‌اند و در دهه اخیر با کمبود شغل مواجه شده‌اند. همچنین شهرستان سقز در هر چهار دوره مهاجر فرست بوده و بیش‌ترین مقدار آن مربوط به دهه چهارم با ۲۰۱۶۷ نفر می‌باشد؛ اما به غیر از دهه چهارم که نقاط شهری مهاجرپذیر بوده، در همه دوره‌های دیگر روستاها مهاجرفرست و نقاط شهری مهاجرپذیر بوده‌اند. در این شهرستان، تغییرات نیروی کار هم یک روند افزایشی داشته و در دهه اخیر به بیش‌ترین مقدار خود در کل شهرستان رسیده است. دهه چهارم را می‌توان به عنوان دهه تورم نیروی کار در نقاط شهری و روستایی نامگذاری کرد. جدول ۱، محاسبات بازار کار شهرستان سقز از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ را نشان می‌دهد.

مراحل محاسباتی مدل بازار کار

۱. $L = E + U$
 $L =$ حجم نیروی کار
 $E =$ تعداد شاغلین
 $U =$ تعداد بیکاران

۲. $L/W \cdot Y =$
 $Y =$ نرخ فعالیت اقتصادی
 $W =$ تعداد جمعیت در سن کار
 ۳. $X = W/P$
 $X =$ نسبت جمعیت در سن کار
 $P =$ تعداد کل جمعیت

۴. $DL =$ میزان تغییرات در نیروی کار
 $M =$ مجموع مهاجرت خالص به بیرون در یک دوره
 $DL = L \cdot L \cdot 1 + YXM$

۵. $DN =$ افزایش طبیعی نیروی کار
 $DN = (W \cdot W - 1) \cdot Y - 1 + XM$

۶. $DA =$ افزایش نیروی کار ناشی از تغییرات در نرخ مشارکت
 $DA = W(Y - Y - 1) + XM(Y - Y - 1)$

۷. $DU =$ اختلاف بین تعداد بیکاران دوره گذشته با دوره حاضر
 $DU = U \cdot U - 1$

جدول ۱. محاسبات بازار کار شهرستان از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵

سال	دهه	YXM	DL	DE	DS	DU	DN	DA
۴۵-۵۵	اول	۷۶۰۹	۴۰۵۴	۶۸۹	۳۳۶۵	۱۵۰۳	۵۹۱۲	-۱۹۳۳
۵۵-۶۵	دوم	۱۲۳۰	۱۰۴۴۴	۸۸۲۱	۱۶۲۳	۱۳۵۷	۱۰۴۷۰	-۱۵۶
۶۵-۷۵	سوم	۴۰۰۶	۱۱۵۹۸	۱۱۶۲۷	-۲۹	-۸۷۶	۱۲۰۲۶	-۲۷۰
۷۵-۸۵	چهارم	۲۰۱۶۷	۲۴۷۳۶	۷۷۱۰	۱۷۰۲۶	۱۲۲۸۷	۲۴۵۶۴	۱۴۰

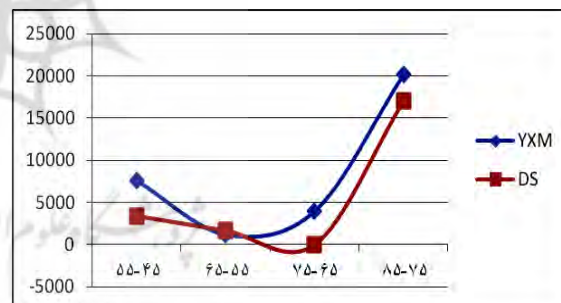
نقاط شهری

سال	دهه	YXM	DL	DE	DS	DU	DN	DA
۴۵-۵۵	اول	-۷۳۶۰	۱۱۵۱	۳۰۵۳	-۱۹۰۲	۹	۱۲۴۸	-۵۵
۵۵-۶۵	دوم	-۳۶۳۵۶	۱۳۹۸	۸۲۷۵	-۶۸۱۷۷	۲۱۲۳	۲۲۰۴	۵۲
۶۵-۷۵	سوم	-۱۶۶۱۶	۵۱۲۹	۸۵۰۳	-۳۳۷۴	۲۹۴	۶۷۰۶	-۹۰۷
۷۵-۸۵	چهارم	۴۷۷	۱۵۴۶۶	۷۳۹۷	۸۰۶۹	۷۹۶۰	۱۳۴۳۹	۱۸۵۸

نقاط روستایی

سال	دهه	YXM	DL	DE	DS	DU	DN	DA
۴۵-۵۵	اول	۱۴۹۶۹	۲۷۱۸	-۲۳۶۴	۵۰۸۲	۱۴۹۴	۴۳۵۰	-۱۶۸۹
۵۵-۶۵	دوم	۳۷۵۸۶	۷۶۵۲	۶۴۸	۷۰۰۴	-۷۶۶	۷۱۰۴	۵۳۲
۶۵-۷۵	سوم	۲۰۶۲۲	۶۱۱۱	۳۱۲۴	۲۹۸۷	-۱۱۷۰	۴۷۴۷	۱۷۵۷
۷۵-۸۵	چهارم	۱۹۶۹۰	۹۲۴۷	۳۱۳	۸۹۳۴	۴۳۲۷	۱۰۴۲۰	-۹۰۰

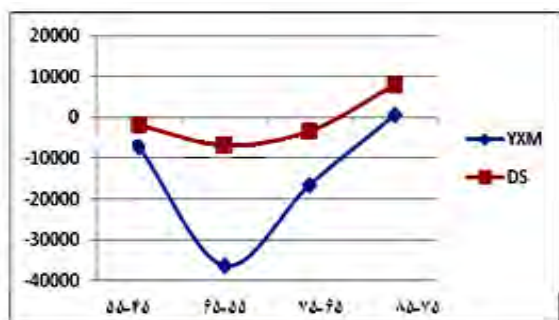
کم‌ترین مقدار خود (نسبت به سایر دوره‌ها) رسیده است. اما از دهه سوم به بعد روند مهاجرت به بیرون (YXM) و کمبود شغل (DS) در شهرستان روندی به شدت افزایشی به خود گرفته و شهرستان دچار پدیده مهاجرفرستی شدید در دوره آخر شده است. بنابراین، مهاجرفرستی شهرستان به کمبود شغل وابسته می‌باشد به این معنا که هرگاه شهرستان با مازاد شغل مواجه شده (دوره سوم) میزان مهاجرفرستی آن کاهش یافته و نکته قابل توجه در این نمودار این است که در هیچ‌کدام از دوره‌ها شهرستان مهاجرپذیر نبوده و همیشه مهاجرفرست بوده است.



شکل ۲. نمودار رابطه کمبود شغل (DS) و مهاجرت به بیرون (YXM) در شهرستان سقز از ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵

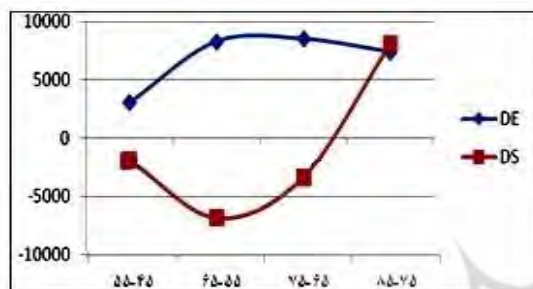
بر اساس جدول ۱ و شکل ۲، بین مهاجرت به بیرون (YXM) و کمبود شغل (DS) در هر چهار دوره هماهنگی نسبی دیده می‌شود. روند تغییرات کمبود شغل (DS) از دوره اول تا دوره سوم روندی کاهشی داشته است، یعنی با گذشت زمان از دهه اول تا دهه سوم از کمبود شغل در شهرستان کاسته شده است. به طوری که در دهه سوم کمبود شغل منفی بود که نشانگر مازاد شغل در شهرستان می‌باشد.

روند تغییرات مهاجرت به بیرون نیز در این سه دوره تابعی از کمبود شغل بوده است و از دهه اول به سوم از تعداد مهاجرین خارج شده از شهرستان کاسته شده، به طوری که در دوره دوم به



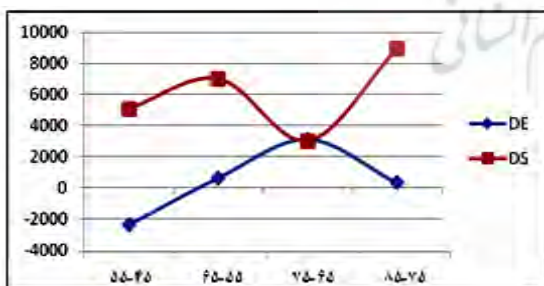
شکل ۳. نمودار رابطه کمبود شغل (DS) و مهاجرت به بیرون (YXM) نقاط شهری شهرستان سقز از ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵

داشته، در نتیجه در سه دوره اول با وجود افزایش تغییرات اشتغال، فرصت‌های شغلی ایجاد شده در شهرستان سقز جوابگوی این تقاضا بوده و کمبود شغل زیادی دیده نمی‌شود، حتی در دوره سوم کمبود شغل منفی (۲۹-)، نمایانگر مزاد شغل در این دوره می‌باشد. اما در دوره آخر با وجود کاهش تغییرات اشتغال، کمبود شغل به طور قابل توجهی افزایش یافته و این بدین معنی است که در این دوره نه تنها فرصت‌های شغلی جدید به وجود نیامده، بلکه تعدادی از این فرصت‌های شغلی در شهرستان از بین رفته‌اند و شهرستان سقز با این تعداد کمبود شغلی و مهاجرت به بیرونی رو به رو شده است.



شکل ۳. نمودار رابطه کمبود شغل (DS) و تغییرات اشتغال (DE) در نقاط شهری شهرستان سقز از ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵

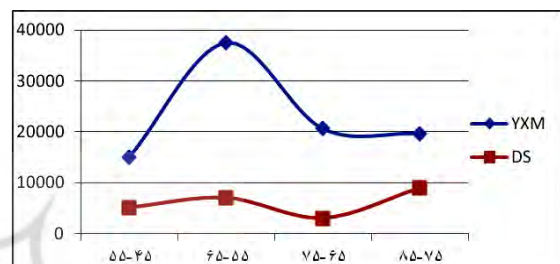
بر اساس نمودار شکل ۳، بین کمبود شغل (DS) و تغییرات اشتغال (DE) در نقاط شهری شهرستان هماهنگی کاملی وجود ندارد. تغییرات اشتغال در سه دهه اول روندی افزایشی به خود گرفته اما در دوره پایانی کاهش محسوسی در مقدار آن دیده می‌شود. به عبارت دیگر با وجود مزاد شغل در نقاط شهری رو به رو هستیم، در دوره آخر با وجود کاهش تغییرات اشتغال نسبت به دوره‌های قبلی، نقاط شهری پدیده مهاجرت فرستی چشمگیری را به خود دیده‌اند.



شکل ۴. نمودار رابطه کمبود شغل (DS) و تغییرات اشتغال (DE) در نقاط روستایی شهرستان سقز از ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵

نمودار شکل ۴، نشان می‌دهد که بین کمبود شغل (DS) و تغییرات اشتغال (DE) در نقاط روستایی شهرستان سقز هماهنگی وجود داشته اما در دوره آخر این هماهنگی دیده نمی‌شود و با وجود کاهش تغییرات اشتغال و نزدیک شدن به صفر، کمبود شغل افزایش یافته است، بدین معنی که در دهه اخیر نقاط روستایی

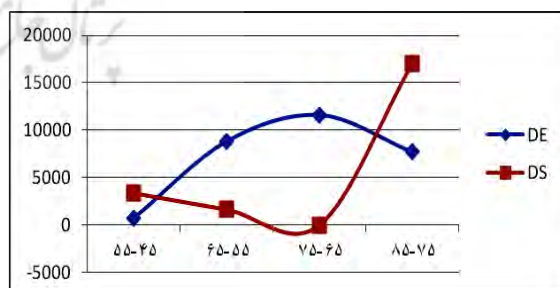
نمودار شکل ۳، رابطه آشکاری بین کمبود شغل (DS) و مهاجرت به بیرون (YXM) در نقاط شهری شهرستان سقز وجود دارد. در سه دوره اول میزان کمبود شغل منفی می‌باشد، یعنی در نقاط شهری شهرستان مزاد شغل وجود دارد و اضافه شغل موجود در نقاط شهری دلیلی بر مهاجرت آن می‌باشد، به ویژه در دوره دوم بالاترین حد مهاجر (۳۶۳۵۶ نفر) را به خود جذب کرده است، اما در دوره آخر با مثبت شدن کمبود شغل، نقاط شهری برخلاف دوره‌های قبلی با پدیده مهاجرت فرستی روبه‌رو گردیده‌اند، بنابراین وابستگی مهاجرت به بیرون (YXM) به کمبود شغل (DS) در نقاط شهری شهرستان نیز به طور کامل صدق می‌کند.



شکل ۵. نمودار رابطه کمبود شغل (DS) و مهاجرت به

بیرون (YXM) نقاط روستایی شهرستان سقز از ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵

نمودار شکل ۴، نشان می‌دهد که بین کمبود شغل (DS) و مهاجرت به بیرون (YXM) در نقاط روستایی شهرستان سقز نیز رابطه وجود دارد. روند تغییرات کمبود شغل در هر چهار دوره مثبت می‌باشد و این به معنی نبود فرصت‌های شغلی برای نیروی کار موجود می‌باشد. به همین دلیل در مناطق روستایی شهرستان برعکس نقاط شهری پدیده مهاجرت فرستی شدید به ویژه در دوره دوم (۳۷۵۸۶ نفر) رخ داده است. اما از دهه دوم به این طرف از شدت مهاجرت فرستی نقاط روستایی کاسته شده است.



شکل ۶. نمودار رابطه کمبود شغل (DS) و تغییرات اشتغال (DE) در نقاط روستایی شهرستان سقز از ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵

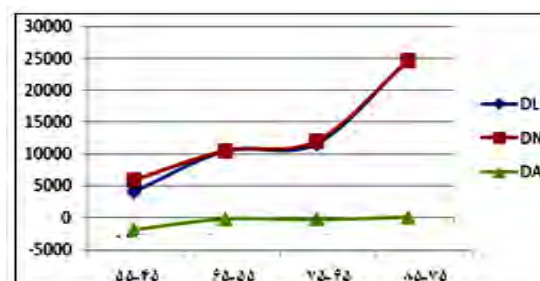
نمودار شکل ۵، نشان می‌دهد که تغییرات اشتغال یا همان تقاضای نیروی کار (DE) در سه دهه اول روند افزایشی داشته است، اما در دهه آخر به یکباره از میزان تغییرات اشتغال نسبت به دوره‌های قبلی کاسته می‌شود و کمبود شغل (DS) که در سه دهه اول روندی کاهشی

روند تغییرات کمبود شغل روندی کاهشی است، اما از دوره سوم افزایشی شدیدی را طی کرده است، همچنین روند تغییرات طبیعی نیروی کار یک روند افزایشی داشته است که به نرخ رشد جمعیت بر می‌گردد. در حالی که روند تغییرات نرخ مشارکت در سه دهه اول منفی می‌باشد و به جز دوره آخر هیچ تأثیری در تغییرات کمبود شغل در شهرستان ندارد. همچنین در نقاط شهری و روستایی شهرستان نیز وضعیت به همین منوال است و روند تغییرات کمبود شغل (DS) بیش‌تر وابسته به روند تغییرات نرخ رشد طبیعی (DN) بوده تا این که از روند تغییرات نرخ مشارکت (DA) تأثیر بپذیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

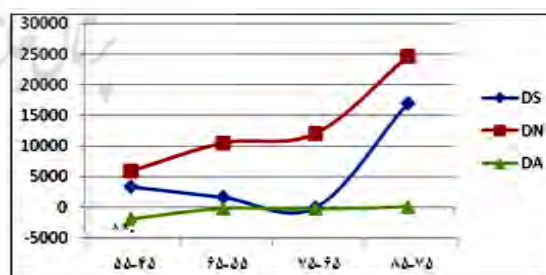
وقوع انقلاب صنعتی از یک طرف و اجرای برنامه اصلاحات ارضی از طرف دیگر دو محیط متفاوت روستا و شهر را با زیر ساخت‌های نامتناسب تکنولوژیکی، مدنی و قانونی و با بهره‌وری نامتعادل در مقابل هم قرار داد. نتیجه این روند هجوم نیروی کار روستایی به شهرها و محدودیت شهرها در جذب آنان بود. شهرها با توجه به ظرفیت خود نیروی کار لازم را جذب کرده و نیروی مازاد را به اشتغال‌های کاذب هدایت کردند. در این زمینه شهرستان سقز هم مستثنی نبوده و با تحولات فراوانی رو به رو بوده است. در تمام سرشماری‌های سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵، شهرستان سقز مهاجر فرست بوده است، مهاجرفرستی شهرستان تابع کمبود شغل در شهرستان می‌باشد. در حالی که نقاط شهری شهرستان در سه دوره اول مهاجر پذیر و در نقاط روستایی میزان مهاجر فرستی شدید بوده و بر مهاجرپذیری نقاط شهری غلبه داشته است. بنابراین شهرستان در هر چهار دوره با پدیده مهاجرفرستی مواجه بود، لذا آنچه که در این راستا مشهود است مهاجران روستایی شهرستان، در بیش‌تر مواقع در جستجوی کار وارد مرکز شهرستان شده و در نقطه مقابل خود مرکز شهر به دلیل کمبود اشتغال برای جمعیت خود، بسیاری از مهاجران روستایی را در مشاغل کاذب و بسیاری دیگر به دلیل عدم مطلوبیت راهی نقاط خارج از سطح شهرستان گردیده و به عبارتی به مرکز استان و حتی در مواردی به دیگر نقاط مرکزی کشور روانه نموده است که این خود مسبب عدم تعادل‌های جمعیتی در دیگر نقاط مهاجر پذیر گردیده و اقتصاد ساپروفیتی یا به عبارتی انگلی را در این مناطق دامن زده است، همچنین با توجه به یافته‌های تحقیق در سه دوره اول تغییرات اشتغال در شهرستان روندی افزایشی به خود گرفته و روند کمبود شغل کاهش یافته؛ یعنی در این سه دوره با وجود افزایش تقاضای نیروی کار فرصت‌های شغلی ایجاد شده جوابگو بوده است. به طوری که در دوره سوم (۶۵-۷۵) در شهرستان مازاد شغل وجود داشت. اما دوره

فرصت‌های شغلی بسیار کمی را دارا بوده‌اند. در دهه سوم نقاط روستایی کم‌ترین مقدار کمبود شغل را داشته‌اند و این نشان دهنده وجود فرصت‌های شغلی در روستاها بوده است.



شکل ۸. نمودار رابطه تغییرات نیروی کار (DL) با تغییرات نرخ مشارکت (DA) و تغییرات طبیعی نیروی کار (DN) در شهرستان سقز از ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵

نمودار شکل ۸، نشان می‌دهد که تغییرات نیروی کار (DL) بیش‌تر وابسته به تغییرات طبیعی نیروی کار (DN) می‌باشد و تغییرات نرخ مشارکت (DA) با تغییرات نیروی کار (DL) رابطه چندانی ندارد. نرخ مشارکت به جز در دوره اول که منفی می‌باشد، روند متعادلی را طی کرده و نشان می‌دهد که در تغییرات نیروی کار تأثیر ندارد. اما تغییرات طبیعی نیروی کار همراه با تغییرات نیروی کار روندی همسان و افزایشی داشته است. بنابراین تغییرات نیروی کار بیش از آنکه وابسته به تغییرات نرخ مشارکت باشد، وابسته به تغییرات طبیعی نیروی کار است. در نقاط شهری و روستایی شهرستان نیز تغییرات نیروی کار (DL) بیش‌تر از تغییرات طبیعی نیروی کار (DN) تأثیر پذیرفته است و تغییرات نرخ مشارکت (DA) در تمام ادوار به صفر نزدیک و حتی در دوره‌هایی منفی می‌باشد.



شکل ۹. نمودار رابطه کمبود شغل (DS) با تغییرات طبیعی نیروی کار (DN) و تغییرات نرخ مشارکت (DA) در شهرستان سقز از ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵

بر اساس نمودار شکل ۹، افزایش روند تغییرات کمبود شغل (DS) در شهرستان سقز بیش‌تر به اثرات افزایش روند تغییرات طبیعی نیروی کار (DN) بر می‌گردد تا این که وابسته به روند تغییرات نرخ مشارکت (DA) باشد. در سه دوره اول سرشماری

راهکارها

با توجه به یافته‌های تحقیق و اینکه عمده مهاجرت‌های صورت گرفته از نواحی روستایی به سمت مرکز شهر صورت گرفته است. پیشنهاد می‌شود:

- دولت به عنوان یک تسهیل‌گر وارد میدان عمل شود و این تسهیل‌گری خود را در زمینه‌هایی مانند اعطای وام، ایجاد قوانین تشویقی، ارائه امکانات آموزشی جهت تخصص‌گرایی جوانان روستایی در راستای گرایش به کسب و کار و فعالیت‌های کارآفرینانه اجرا نماید.

- بخش خصوصی و سرمایه‌داران شهری، با توجه به مستعد بودن نواحی روستایی در زمینه‌هایی همانند دسترسی به نیروی کار فراوان و ارزان، منابع طبیعی ارزان (زمین)، گاه تامین آسان نهاده‌ها در محل، نسبت به راه اندازی و ایجاد اشتغال در این نواحی بپردازند، تا این عدم تعادل منطقه‌ای به ویژه در بازار کار از بین رفته و سبب پویایی نظام شهری و روستایی گردد.

- رسانه‌ها با نشان دادن جنبه‌هایی از مهاجرت‌های بدون برنامه‌ریزی به مرکز شهرستان‌های استان جهت دستیابی به اشتغال، که خود مسبب مشکلات بسیار پیچیده و گسترده‌ای گردیده که نه تنها ایجاد اشتغال میسر نگردیده بلکه خود موجب احساس ناامنی مهاجران روستایی و هم شهرنشینان گردیده است بنابراین رسانه می‌بایست از فرصت مناسب استفاده نموده و در معرفی فرصت‌های شغلی از طریق کارآفرینی در نواحی روستایی با نشان دادن توان‌ها و پتانسیل‌های هر منطقه گامی در جهت بهبودی وضعیت بازار اشتغال در این نواحی بردارد تا هم از فشار مهاجرتی به مرکز شهرها پیشگیری شود و هم خود نواحی روستایی به عنوان یک بازار کار محلی برای تثبیت جمعیت روستایی تبدیل شوند.

منابع

۱. آذانی، مه‌ری و بوستانی، سعید (۱۳۹۲)، *تحلیلی بر عوامل موثر در مهاجرت‌های روستایی- شهری نمونه موردی شهرستان ممسنی*، فصلنامه فضای جغرافیایی، شماره ۴۱: ۱۰۱-۸۷.
۲. آهنگری، عبدالمجید و سعادت‌مهر، مسعود (۱۳۸۶)، *مطالعه تطبیقی سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های اقتصادی و اجتماعی*، مجله دانش و توسعه، شماره ۲۱: ۱۹۴-۱۵۹.
۳. اجزاء شکوهی، محمد، صادقی، مجتبی و اسدی، روح اله (۱۳۸۹)، *توسعه منطقه‌ای در استان سیستان و بلوچستان با استفاده از مدل بازار کار*، مجموعه مقالات چهارمین کنگره

آخر (۷۵-۸۵) در شهرستان و نقاط شهری و روستایی با وجود کاهش تغییرات اشتغال، کمبود شغل به صورت قابل توجهی افزایش یافته است، به این معنا که در این دوره نه تنها فرصت‌های شغلی جدید به وجود نیامده بلکه تعدادی از این فرصت‌های شغلی در شهرستان از بین رفته‌اند که شهرستان با تعداد کمبود شغلی و مهاجرت به بیرون روبه‌رو شده است، با توجه به اینکه در دوره زمانی ذکر شده با افزایش جمعیت در کشور رو به رو بوده‌ایم، همچنین از سوی دیگر نه تنها اشتغال ایجاد نگردیده بلکه افزایش جمعیت در مقطع زمانی ذکر شده سبب گردیده که مجدداً بحث مهاجرت با انگیزه اشتغال این بار از خود مرکز شهر به سایر نقاط به ویژه پایتخت مطرح گردد به گونه‌ای که حتی در بیش‌تر موارد مهاجران روستایی دیگر به مرکز شهرستان وارد نشده بلکه به مراکز کلان جمعیتی مهاجرت نموده‌اند که این خود سبب شکل‌گیری پدیده‌های چون حومه‌نشینی، خزش شهری و .. در نقاط کلان جمعیتی به ویژه پایتخت گردید. اما آنچه که در تحولات بازار نیروی کار شهرستان سقز مشهود است این است که تغییرات نیروی کار، وابسته به تغییرات طبیعی نیروی کار (DN) است و تغییرات نرخ مشارکت تأثیر چندانی در روند تغییرات نیروی کار ندارد. به طوری که در تمام دوره‌های سرشماری کمبود شغل موجود در شهرستان سقز (نقاط شهری و روستایی) متأثر از تغییرات طبیعی نیروی کار است که به نرخ رشد جمعیت بر می‌گردد و در واقع تغییرات نرخ مشارکت اثر چندانی چشمگیری در کمبود شغل شهرستان نداشته است. لذا در این ارتباط می‌توان عنوان نمود که شهرستان سقز همانند میانگین کشوری در مقطع مذکور به دلیل روند طبیعی افزایش جمعیتی دچار کمبود اشتغال گردیده است. با این تفاوت که توانسته همانند دوره‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ مشاغل جدیدی چه به صورت دولتی و چه به صورت خصوصی به وجود آورد و این خود مهم‌ترین عامل افزایش روند مهاجر فرستی چه در سطح روستاها و چه در سطح شهرستان شده است و از طرف دیگر، حتی در نواحی روستایی با توجه به کمبود گرایش جوانان به اشتغال در فعالیت‌های بخش کشاورزی و استفاده از ماشین آلات به جای انسان سبب آزادسازی خیل عظیمی از نیروی کار از این نواحی به سطح مرکز شهر سقز گردیده و چون خود مرکز شهرستان به دلیل مشکلات رشد طبیعی جمعیتی با کمبود مشاغل رو به رو بوده، بنابراین مهاجر فرستی از هر دو نقطه شهری و روستایی منطقه مورد مطالعه به سمت سایر نقاط کشور شکل گرفته و بازار کار را با یک نیروی مازاد جمعیتی رو به رو نموده است که به اجبار این عدم تعادل جمعیتی نیروی کار با مشاغل موجود سبب مشکلات عدیده در سطح شهرستان و کشور را سبب گردیده است.

۱۷. فیض‌پور، محمدعلی، لطفی، عزت‌الله و ملیحه رئوفی (۱۳۹۴).
تمایزهای منطقه‌ای در بازار کار شایسته مناطق شهری،
پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، شماره ۴: ۶۴۵-۶۵۵
۱۸. کوهیل، مایکل (۱۳۸۷)، محیط زیست و سیاست اجتماعی،
ترجمه: حسین حاتمی‌نژاد و سهراب امیریان، انتشارات دانشگاه
تهران، چاپ اول.
۱۹. گودرزی، محسن (۱۳۷۰)، ویژگی‌ها و تحولات بازار کار
ایران در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵، فصلنامه اطلاعات
سیاسی-اقتصادی، سال ۶ شماره ۴۴-۴۳: ۸۹-۷۹.
۲۰. مرکز آمار ایران (۱۳۴۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی
نفوس و مسکن شهرستان سقز.
۲۱. مرکز آمار ایران (۱۳۵۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی
نفوس و مسکن شهرستان سقز.
۲۲. مرکز آمار ایران (۱۳۶۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی
نفوس و مسکن شهرستان سقز.
۲۳. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی
نفوس و مسکن شهرستان سقز.
۲۴. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی
نفوس و مسکن شهرستان سقز.
۲۵. مرکز آمار ایران، (۱۳۸۶)، سالنامه آماری.
۲۶. منان رئیسی، محمد (۱۳۹۴)، جستاری در سنجش توسعه
یافتگی نواحی شهر شیراز، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی
شهری، تابستان، شماره ۲۱: ۱۳۸-۱۲۱.
۲۷. میرباقری، میرناصر؛ معصومی، دلاور؛ نوید، بهروز و صفوی، سید
راشد (۱۳۹۴)، سنجش توسعه یافتگی شهرستان‌های استان
اردبیل با استفاده از مدل آنالیز تاکسونومی عددی و
سلسله‌مراتبی، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۱۰:
۱۳۸-۱۲۷.
۲۸. میرکتولی، جعفر و منافی‌آذر، رضا (۱۳۸۸)، درآمدی به
اقتصاد فضا، انتشارات دانشگاه گلستان، گرگان، چاپ اول.
۲۹. نادمی، یوسف (۱۳۹۱)، انرژی و بازار کار (شرایط بازار کار
کشور)، وب سایت دنیای اقتصاد.
۳۰. نظم‌فر، حسین و علی‌بخشی، آمنه (۱۳۹۳)، سنجش میزان
برخوردراری شهرستان‌های استان خوزستان از شاخص‌های
توسعه با استفاده از تکنیک ادغام، فصلنامه آمایش
جغرافیایی فضا، شماره ۲۴: ۱۷۸-۱۵۱.
۳۱. هاروی، جک (۱۳۸۹)، اقتصاد جدید، ترجمه: محمدباقر،
نوبخت و فرید نوبخت، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع
تشخیص مصلحت نظام، چاپ اول.
- بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان.
۴. امینی، علیرضا (۱۳۹۵)، تحلیل بازار کار و سیاست‌های
اشتغال‌زایی اقتصاد ایران، مجله اقتصادی، شماره ۶-۵: ۲۳-۴۰.
۵. پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی و محمدامیر (۱۳۸۷)،
نظریه‌های توسعه روستایی، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم.
۶. پارتو، رابرت و لوید، اونز سالی (۱۳۸۴)، شهر در جهان در حال
توسعه، ترجمه: کیومرث ایراندوست؛ مهدی دهقان و میترا احمدی،
تهران، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول.
۷. تودارو، مایکل (۱۳۷۸)، توسعه اقتصادی در جهان سوم،
ترجمه: غلامعلی فرجادی، انتشارات بازتاب، تهران، چاپ نهم.
۸. تودارو، مایکل (۱۳۶۷)، مهاجرت داخلی در کشورهای در حال
توسعه، ترجمه: مصطفی سرمدی و پروین رئیسی‌فرد،
انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، تهران، چاپ اول.
۹. رنی شورت، جان (۱۳۸۸)، نظریه شهری: ارزیابی انتقادی،
ترجمه: کرامت‌الله زیاری، حافظ مهدنژاد و فریاد پرهیز،
انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۰. زنگنه، یعقوب (۱۳۸۹)، تحلیل کمی مهاجرت و رشد جمعیت
استان سیستان و بلوچستان در رابطه با تحولات بازار کار آن
در فاصله سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۵، مجموعه مقالات چهارمین
کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان.
۱۱. زیاری، کرامت‌اله (۱۳۹۰)، مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های
برنامه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه تهران،
تهران، چاپ دوم.
۱۲. شکویی، حسین و زنگنه، یعقوب (۱۳۸۲)، تحلیل تحولات بازار
نیروی کار شهرهای میانی کشور در فاصله سال‌های (۱۳۷۵-
۱۳۳۵)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۸، شماره ۶۸:
۲۳-۱۰.
۱۳. عبدلی، اصغر؛ صارمی، حمیدرضا؛ فتحی بیرانوند و محمد
(۱۳۹۳)، بررسی سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان
لرستان به تفکیک بخش‌های آموزشی و بهداشتی-درمانی
طی برنامه چهارم توسعه، مجله مطالعات و پژوهش‌های
شهری و منطقه‌ای، شماره ۲۳: ۱۶۲-۱۴۵.
۱۴. فاتحی، محمد (۱۳۸۴)، اشتغال و بیکاری در دولت نهم، نشریه
مجلس و پژوهش، سال ۱۲، شماره ۵۰-۴۹: ۱۹۴-۱۶۳.
۱۵. فرید، یدالله (۱۳۸۳)، جغرافیای جمعیت، انتشارات
دانشگاه تبریز، چاپ پنجم، تبریز.
۱۶. فنی، زهره، مولودی، جمشید و فرجی راد، خدر (۱۳۹۲)، تحلیل
تطبیقی ساختار اشتغال با تأکید بر متغیرهای اجتماعی و نظام
برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مطالعات شهری، شماره ۶: ۱۷-۳۰

32. Arnott, Richard; Mc Millan, Daniel, (2008), *A companion to Urban Economics*, Blackwell, Oxford.
33. Batey, Peter; Madden, Moss, (1997), *The Employment impact of Demographic change a Regional Analysis Amended*, University of Liverpool.
34. Grantham, George; Mackinnon, Mary, (1994), *Labor Market Evolution*, Routledge, London.
35. Hadder, Richard, (2000), *Development Geography*, European Journal of Operational Research, Vol 4: 3-17.
36. Kitchin, Rob; Thrift, Nigel, (2009), *International Encyclopedia of Human Geography*, First edition, Elsevier Ltd.
37. Popkov, Alexey; Popkov, Yuri; Van wissen, Leo, (2005), *Positive dynamic system with entropy operator: Application to labor market modeling*, European journal of operation Research, Vol 164:811- 828.
38. Riddell, Rebecca, (2011), *Cultural development and city neighborhoods*, City, Culture and Society, Vol. 2, No. 1: 9-15.

